

پیش‌نویس «ره‌نامه چارچوب حکمرانی حق و فرهنگ اعتراض»

دیبرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور؛ شهریور ۱۴۰۲ ه.ش

مقدمه

یکی از مصادیق مهم امتداد ایده و آرمان مردم‌محور بودن نظام جمهوری اسلامی، مسئله حق و فرهنگ اعتراض است. اصل اعتراض در جوامع باعث جلوگیری از رادیکال شدن دیدگاه‌ها و کنش‌ها شده و گفتگوپذیری جامعه برای حل مشکلات را افزایش می‌دهد. برگزاری اجتماعات و اعتراضات در چارچوب نظام جمهوری اسلامی، نشانه برجسته‌ای از مردم‌سالاری دینی است؛ امری که در بلندمدت مشارکت سیاسی و سرمایه اجتماعی را افزایش داده و مانع آسیب‌پذیری نظام جمهوری اسلامی خواهد شد. برای بخشی از جامعه، عامل مهمی که زمینه نارضایتی را فراهم می‌آورد، احساس شنیده نشدن و به رسمیت شناخته نشدن اعتراض است. اگر حرف معترضین شنیده نشود، این فرایند مطالبات را به سمت خشونت بیشتر و رادیکال‌تر شدن ماهیت، شعار و کنش‌های معترضین سوق می‌دهد. بر اساس پژوهش‌های رصدی معتبر، اکثریت جامعه ایرانی، موافق داشتن حق اعتراض مسالمت‌آمیز و مخالف تجمع خشونت‌آمیز هستند. تجربه هم عملاً نشان می‌دهد هرگاه تجمع یا جریان اعتراضی به خشونت میل پیدا کرده، همراهی و مشارکت آحاد مردم با آن به شدت کاهش یافته است.

حق اعتراض و تجمع اعتراضی در قوانین نظام اسلامی و رکن آن یعنی قانون اساسی، مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. از جمله می‌توان به اصل ۸ قانون اساسی^۱ و همچنین ماده ۸ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر اشاره کرد؛ اما مهم‌ترین مورد، اصل ۲۷ قانون اساسی است که در آن صراحتاً تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخلّ مبانی اسلام نباشد، آزاد شمرده شده است. این اصل یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی و برآمده از نگرش اصیل انقلابی است؛ برخلاف رژیم منحوس پهلوی که اجازه هیچ‌گونه کنش اعتراضی به مردم نداده و با آن‌ها شدیداً برخورد می‌کرد که نمونه آن برخورد خونین با تجمع مردمی و مسالمت‌آمیز در ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۷ ه.ش بود. همچنین رهبر معظم انقلاب نیز بارها به موضوع «احیای حقوق عامه و آزادی‌های مشروع» تأکید کرده‌اند^۲ که کنش‌گری و اعتراض، یکی از آزادی‌های مشروع و حقوق مهم عامه است.

در اسناد بین‌المللی نیز مسئله حق و فرهنگ اعتراض مورد تأکید قرار گرفته است، از جمله در ماده ۲۱ میثاق‌نامه بین‌المللی حقوق سیاسی مدنی، برگزاری تجمعات اعتراض‌آمیز با رعایت شش قید مجاز دانسته شده که عبارتند از: امنیت ملی، امنیت عمومی، نظم عمومی، سلامت عمومی، اخلاق عمومی، و حقوق و آزادی دیگران. دولت‌ها اگر این موارد نقض شود، می‌توانند از تجمع جلوگیری کرده و با آن برخورد قانونی کنند. همچنین اکثر کشورها در قوانین خود نسبت به تجمعات

^۱ در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند.

^۲ از جمله آن در دیدار با مسئولین قوه قضائیه در ۷ تیر ماه ۱۴۰۲ ه.ش فرمودند: «بر اساس تعبیر دقیق قانون اساسی، همه آزادی‌هایی که شرع اجازه می‌دهد باید برای مردم تامین شود که دستگاه‌های قدرت معمولاً معارض این آزادی‌ها می‌شوند و قوه قضائیه باید به وظایفش در این زمینه عمل کند.»

اعتراضی، روی یک کلیدواژه اصلی تأکید دارند: مسالمت آمیز بودن. به طور کلی دو رویکرد در میان دولت‌ها نسبت به نظارت بر تجمعات اعتراضی وجود دارد؛ رویکرد نظارت پیشینی که سخت‌گیرانه‌تر بوده و در آن نهاد حکمران باید پیش از برگزاری تجمع، مجوز مربوطه را صادر کند دارد و رویکرد نظارت پسینی که طبق آن برگزاری تجمع اعتراضی آزاد بوده اما اگر اقدام خلاف قانون انجام شود، با برگزارکنندگان برخورد می‌شود.

چالش‌ها و مسائل

پرسش اساسی که باید به آن پاسخ داد این است که چرا علیرغم تأکید اصل ۲۷ قانون اساسی بر آزادی تجمعات و اعتراض، آن طور که باید محقق نشده و تبلور پیدا نکرده است و برای تحقق آن چه راهبردهایی را باید در نظام فرهنگی کشور پی‌جویی کرد؟ بدیهی است که نباید تمام ابعاد این موضوع را به جنبه‌های حقوقی تقلیل داده و به ضرورت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و سیاستی حق و فرهنگ اعتراض بی‌توجهی کرد.

- ریشه این مسئله در فرهنگ سیاسی و وجود نوعی هراس نسبت به اعتراض و تجمع است که در برخی از بخش‌های نظام تصمیم‌گیری و حکمرانی کشور غلبه پیدا کرده و کماکان از اعتراض، تصور آمیخته با ترس دارد که اگر تجمعی رخ بدهد، کل ارکان نظام متزلزل خواهد شد. تا نگرش و اعتقاد عمیقی نسبت به مفید و سازنده بودن نقش اعتراضات مدنی و مردمی امن در مرجع تصمیم‌گیری (شورای تأمین استان‌ها، وزارت کشور و...) شکل نگیرد، ایجاد قوانین کمک‌شایانی نکرده و گشایش خاصی حاصل نخواهد شد. بنابراین پیش و بیش از هر امر دیگری، نیازمند اصلاح انگاره‌ها در نهاد حکمران نسبت به موضوع اعتراض و تجمعات اعتراضی هستیم.
- نگرانی دیگر این است که اگر در حال حاضر و با این اوضاع و احوال سیاسی اجتماعی، یکباره باب اعتراض و تجمع باز شود، چه پیامدهایی را شاهد بوده و واکنش گروه‌های مختلف مردم و آحاد جامعه چه خواهد بود؟ به عبارتی پس از پذیرفتن اصل حق اعتراض و لزوم حکمرانی در جهت تحقق آن، این سوال مطرح می‌شود که نقطه آغاز چطور باشد که پیامدهای آن، مقصود اصلی را نقض نکرده و تبدیل به ضد خود نشود؟
- یکی از دلایل عدم تحقق کامل اصل ۲۷ قانون اساسی، نبود سازوکارهای اجرایی این اصل متناسب با ساختار و فرهنگ جمهوری اسلامی و نبود یک روش بومی و خاص بافتار فرهنگی، تاریخی و سیاسی خودمان است. قواعد قانونی و تنظیمی روشنی که موجب تسهیل، تحقق و اجرایی‌سازی این اصل شود، به ویژه در شرایط بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی وجود ندارد؛ به عبارت دیگر بخشی از مسئله، نه عدم صدور مجوز، بلکه عدم درخواست مجوز می‌باشد که مکرراً نیز توسط مسئولین امر بیان شده است.
- چالش دیگر در حکمرانی اعتراض، نسبت رسانه‌های رسمی خصوصاً صداوسیما با مسئله اعتراض است. مواجهه صداوسیما با حوادث میدانی، بر محور ایجاد دوگانه اعتراض در برابر اغتشاش است، این دو گانه ابتدائاً نسبت صحیحی را ایجاد می‌کند، در ادامه، دال اغتشاش با تصویرها و مدلول‌های واضح و روشنی روایت می‌شود، اما از اعتراض هیچ تصویر و مصداقی برای مخاطب به نمایش گذاشته نمی‌شود؛ به عبارتی دال اغتشاش به شکل کامل روایت شده و با تصاویر مختلف، بازنمایی می‌شود، اما اعتراض، عملاً دال تهی بوده و مابه‌ازای بیرونی در روایت سیما ندارد.

راهبردها و خطوط کلی

- یکی از مهم‌ترین راهبردها، احیای قابلیت‌های تاریخی فرهنگی جامعه برای اعتراض و انتقال کانون‌های کنش‌گری به نهادهای مدنی و ارزشی ریشه‌دار، خصوصاً مساجد، نمازهای جمعه و نهادهای محله‌محور است. نماز جمعه در سابقه تاریخی خود نیز نقش ارتباط متقابل مردم و حاکمیت را ایفا می‌کرده است و اکنون نیز عمدتاً در مرکز شهرها برپا شده و ابعاد مختلف آن دیده و شنیده می‌شود. این موضوع همچنین باعث احیای جایگاه نماز جمعه به عنوان محل رجوع عموم و تنظیم‌گر مناسبات اجتماعی و دینی خواهد بود.
- در بدو امر می‌توان موضوعات و مناقشات اجتماعی و فرهنگی که از سطح تنش سیاسی کمتری برخوردار هستند را مورد توجه قرار داد تا از شکل‌گیری هیجانات افراطی و سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری شود. (مثلاً اعتراض به کنکور یا موارد دیگر که بیرون از نظام سیاسی نیز دارای ابعاد اجتماعی بوده و دیدگاه‌های مختلف مدیریتی نسبت به آن وجود دارد).
- لازم است تا از ظرفیت شخصیت‌های موجه یعنی افرادی که دارای وجهت اجتماعی بوده و از پایگاه و مقبولیت بین قشر معترض برخوردارند، -فارغ از این که مجوز قانونی را چه کسی اخذ می‌کند،- به عنوان میانجی‌های اجتماعی و محور تعامل معترضان و نظام حکمران با هدف ایجاد توازن و جلوگیری از خشونت‌آمیز یا خارج از چارچوب و قانون شدن کنش‌ها استفاده شود.
- برای تحقق تجمعات ایمن و اعتراض میدانی، باید مسئولیت‌پذیر کردن اجتماعات به واسطه رهبر و جریان اصلی مسئول برگزاری تجمعات اعتراضی در دستور کار قرار بگیرد. تشکل‌های دانشجویی، مجموعه‌های مردمی، اصناف و گروه‌های کارگری، سمن‌ها و مؤسسات مردم‌نهاد باید در کنار احزاب، بتوانند مسئولیت برگزاری تجمعات یا اعتراض را عهده‌دار شوند.
- امروزه فضای مجازی، بسترهای بدیل و جایگزین‌های مناسبی برای اعتراض میدانی به وجود آورده که باید مورد استفاده قرار گیرد. در این راستا می‌توان از سازوکارهایی نظیر مشارکت در کارزارها، پویش‌ها، طومارهای دسته‌جمعی و تجمعات برخط که از آن‌ها به عنوان کنش‌گری رقومی یاد می‌شود، بهره جست.
- تعالی و گسترش فرهنگ اعتراض (شامل مواردی چون آموزش حقوق، تکالیف، قوانین، آداب، چارچوب‌ها و شیوه‌های مؤثر و مسالمت‌آمیز اعتراض به آحاد مردم، خصوصاً نوجوانان و جوانان) از مهم‌ترین راهبردهای حکمرانی اعتراض است. بخشی از این مقصود را می‌توان با زمینه‌سازی ساختاری تمرین انتقاد و اعتراض امن و اصلاح‌نگر در سطوح خرد نظیر مدارس و دانشگاه‌ها محقق نمود. همچنین با توجه به این که احساسات و عواطف در شخصیت جمعی ایرانیان نقش برجسته‌ای دارد، باید به تقویت سویه‌های عقلانی توجه نمود که در نوع کنش در موقعیت‌های مختلف مشارکت، مطالبه، انتقاد و اعتراض تأثیر خواهد داشت.
- لازم است تا در آیین‌نامه اجرایی اصل ۲۷ اصلاح و بازنگری صورت پذیرد، اولاً به علت فراهم نبودن زمینه‌های نظام حزبی قوی، باید دستورالعمل به شکلی بازنویسی شود تا گروه‌هایی از مردم هم بتوانند درخواست صدور مجوز برای برگزاری تجمعات اعتراضی داشته باشند؛ دوم اینکه افراد باید مطمئن باشند که شرکت در تجمعات، موجب ایجاد سوابق سوء برای آن‌ها نمی‌شود.

- در نهایت ایجاد خانه ملی گفتگو با هدف جریان‌سازی گفتگوی عمومی و تخصصی پیرامون مسائل روز جامعه در موضوعات مختلف دینی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و صنفی می‌تواند به عنوان مقرر نهادی متمرکز و با مأموریت مشخص، پیشبرد اهداف این ره‌نامه در جهت اجرایی‌سازی اصل حق و فرهنگ اعتراض را تسهیل نماید.

اعتراض و رسانه

- یکی از مهم‌ترین عوامل در جهت کنترل یا تشدید اعتراضات مردمی رسانه‌ها هستند، در این میان رسانه‌های جریان اصلی همچون صداوسیما و خبرگزاری‌های رسمی نقش تعیین‌کننده‌ای را بر عهده دارند. افکار عمومی باید احساس کند صدایش در رسانه‌های رسمی و مهم حاکمیت انعکاس داشته و شنیده می‌شود. در برهه‌هایی که رسانه‌های رسمی مبتنی بر همین منطق عمل نموده و فضای بازگفتگویی را ایجاد کرده‌اند، التهاب اجتماعی در عرصه‌های عمومی کاهش یافته و گروه‌های مختلف مردمی ضرورتی برای حضور مستقیم در خیابان احساس نمی‌کردند.
- نظام فرهنگی و رسانه‌ای کشور باید اعتراض در چارچوب قانون اساسی را به رسمیت شناخته و تا حد ممکن، خواسته معترضان را از طریق نمایندگان مردمی یا نمایندگان احزاب سیاسی مطرح کند. باید به گونه‌ای راهبردهای رسانه‌ای بازنمایی اعتراض را سامان‌دهی کرد که نفس وجود یک اعتراض اجتماعی و بازتاب آن، نشانه‌ای از وجود آزادی‌های مشروع در نظام جمهوری اسلامی باشد.
- رسانه باید تلاش کند تا سواد اعتراضی و انتقادی مردم را ارتقاء بخشیده و شیوه صحیح اعتراض را به مردم یاد دهد. (چگونه به صورت رسمی مجوز بگیریم؟ چگونه فراخوان بدهیم؟ چگونه در میدان جمع شویم؟ چارچوب‌های قانونی چیست؟ اعمال غیرقانونی و پیامدهای آن چیست؟ و...) همچنین در جهت بازنمایی صحیح و الگوسازی از اعتراض مدنی صحیح، صداوسیما باید آثار باکیفیت از اعتراض‌های مدنی بسازد تا الگوی مناسبی در فیلم‌ها به نمایش گذاشته شود.
- در هنگام وقوع اعتراض جمعی، آنچه نقش محوری رسانه‌هاست، نه فقط اطلاع‌رسانی، بلکه روایت‌سازی است. در این راستا سه راهبرد اصلی باید اتخاذ گردد:
 - دوربین صداوسیما باید در تمامی اعتراضات و تجمعات حضور کامل و فعال داشته باشد و روایت اول را تولید کند.
 - ایجاد فضای شهروند خبرنگاری، چرا که تاکنون تمرکز صداوسیما بیشتر بر خبرنگاران رسمی خود بوده و ظرفیت شهروند خبرنگاران کمتر مورد توجه قرار گرفته است.
 - حضور قدرتمند شبکه خبر در شبکه‌های اجتماعی، می‌تواند تا حدودی جریان انحصاری خبر در شبکه‌های اجتماعی که تحت تأثیر رسانه‌های معارض است، بشکند.

اعتراض و نخبگان

- نخبگان در جامعه نقش واسطه در برقراری گفتگو و تعامل میان حکومت و مردم را به عهده دارند و از سویی به پشتوانه بدنه اجتماعی خود، مجرای ترویج نوآوری‌های اجتماعی هستند و از سوی دیگر توانایی گفتگو و مفاهیم با حاکمیت را دارند، ایجاد فضای اعتراض امن در جامعه هستند.

- هجمه فراوان جریان‌های معارض خارج‌نشین، باعث شده تا با بسیاری از نقدهای دلسوزانه نیز با دیده نگرسته شود و به راحتی برجسب ضدانقلاب بوده اطلاق شود. این جریان باعث می‌شود تا بسیاری از متخصصانی که متوجه مشکلاتی در اداره امور کشور شده و راه‌حلی برای آن دارند نیز از ابراز دیدگاه‌های خود منصرف شوند. در صورتی که فضای نقد در بستر گفتگوی نخبگانی شکل گیرد، ثابت می‌شود که امکان اصلاح اجتماعی، نقد دلسوزانه و حتی اعتراض مدنی وجود دارد.
- نهادهای امنیتی باید با فضای گفتمان اعتراض امن همانگ بوده و آزادی پس از اعتراض را برای معترضان تامین نمایند. برخورد تند و ممنوعیت بیان برای گروه‌های منتقد نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه نیروهای اجتماعی مختلف را فرسوده و از ایجاد اثر مثبت در جامعه ناامید می‌سازد.
- باید توجه داشت هرچه اعتراض از سطح نخبگانی به سطح توده‌ای منتقل شود، میزان آثار مخرب آن بیشتر و قابلیت دستکاری و کنترل از سوی نیروهای معارض بیشتر می‌شود، چراکه ویژگی حرکت‌های توده‌ای ابتناء بر احساسات و خشم است و نیروهای بیگانه می‌توانند به راحتی این هیجان تخریب‌گر را جهت‌دهی کنند.